حرفی که میزند از روی فکر و تامل و موافق ا
عقل باشد مثلا فکر و عقل میگویند که رحم کردن
خوب و اذیت نمودن بد است پس انسان با
باید از روی همین مطلبی که عقل با و میگوید رفتار نموده
یعنی مثلا هر وقت ممکن باشد دیگران را د
دستگیری و ترحم کرده احدی را اذیت و آزار نکند
انسان باید با همگی خوش رفتاری نموده چیزی را
که بخود نمی پسندد دیگری روا ندارد آداب نشست
از وضع راه رفتن و نشستن و برخاستن و صحبت

حرفی که میزنند از روی فکر و تامل و موافق ا
عقل باشد مثلاً فکر و عقل میگویند که رحم کردن
خوب و اذیت نمودن بد است پس انسان با
باید از روی همین مطلبی که عقل باو میگوید رفتار نموده
یعنی مثلاً هر وقت ممکن باشد دیگران را د
[illegible] بکند
[illegible]
[illegible]
از وضع راه رفتن و نشستن و برخاستن و صحبت

گردن سر کسی میتوان فهمید که این کس تربیت
شده یا ادب نیافته در وقت راه رفتن نباید با دکان
خورده با طرف و اطراف جست و خیز نمایند سر را
خیلی بلند نگاه نداشته زیاد بسیار یا تند نخیزند
وقتی که در را باز کرده وارد مجلسی شدید فوراً
از عقب در را پیش کرده باز نگذارید ــــ
از جمله بی ادبیها این است که هرگاه کسی وارد
مجلس شود مخصوصاً بالا دست دیگران رفته
صدر طلب باشد ــــ

اگر کسی

اگر کسی در روی صندلی نشیند پاها را نباید زیاد
بهم فشرده یا زیاد از هم دور کند یا روی
پا انداختن خوب نیست تکیه کردن بصندلی و
تکان خوردن در روی آن نیز بی ادبیست
وقتی که همه نشسته‌اند نباید بی جهت برخیزد وقتی
که همه برخاستند نباید برخاست ــــ
در مجلس وقتی که با کسی صحبت میکند نباید دیگران را
با انگشت نشان داده یا با دست اشاره
کند ــــ

سر را متصل باینطرف و آن طرف حرکت دادن
خوب نیست و همیشه نظر دو چشم و نگاه کردن
بیک نقطه سیر بد است —
پائین انداختن همیشگی سر و چشم علامت ساحکی
و بیجودتسکی است وجودتسکی خوبی
ندارد —

سر

سر را همیشه راست نگاه داشته متصل باین طرف
و آنطرف نه چرخانند دست را نباید بجانب
سر برد مگر در صورتیکه خیلی لازم باشد —

بهم کشیدن

بهم کشیدن ابرو و اخم کردن علامت اوقات
تلخی است انسان باید همیشه خوشحال باشد با همه
مردم بخوشروئی رفتار کنند —
انگشت بسوراخ بینی نمودن با دست بچشم
مالیدن از کارهای بسیار بد و علامت بی پرورشی
و اسباب ناخوشی است —
همیشه در جیب دستمال داشته باشند و در وقت
ضرورت بکار برند در گرفتن بینی نباید زیاد
صدا نموده فین های بزرگ کنند —

در وقت عطسه باید صورت را برگرداند
و بعد از عطسه نمودن دستمال بجانب دهان
برده به پنهانی بمالند —

خلال کردن دندان در حضور دیگران خوب نیست
و اگر لازم باشد از مجلس بیرون رفته یا رو را
برگردانده خلال نمایند —

در وقت غذا خوردن نباید دهان را باز
برکرد بجهت اینکه آن وقت درست نجاویده
و غذای ناجاویده اسباب ناخوشی میشود —

آداب حرف زدن

تا لازم نباشد مگو و چون میگوئی خوب بگو —

سخن گفتن پسندیده هوش — خوش آید سخنهای نرم آن گوش
نباید سخن گفت ناساخته — نشاید بریدن نینداخته
تامل کنان در خطا و صواب — به از ژاژخایان حاضر جواب
کم آواز هرگز نبینی خجل — جوی مشک بهتر که یک توده گل
مزن بی تامل بگفتار دم — نکو گو اگر دیر گوئی چه غم

در وقت حرف زدن بلندی صدا باید بقدری
باشد که خوب شنیده شود نه اینکه داد و فریاد

ونیاورده مسم گلوی خود هم گوش مردم را پاره
کنند —
کلماتی را که ایشان میگویند باید خوب ملتفت کرده
و باصلاح شمرده حرف زده شد شد تکلم
کردن باطول دادن در ادای کلمات خوب
نیست —
در مجلس هیچ چه نباید اظهار بی حوصلگی نمود —
هیچوقت صحبت دیگران را نباید قطع کرده و وقتی
که کسی مطلبی میگوید باید ایشان گوش داد

حرف زند

حرف زند —
دهان دره کردن در پیش روی مردم خوب
نیست و اگر لازم باشد باید صورت را برگردانده
یا دستمال و دست بجلوی دهان برند —
اگر شما بحرف دیگران درست گوش نداده تأمل
نکنید ایشان نیز بگفتار شما گوش نخواهند
داد —
هرگاه اهل این مجلس غصه دار و غمناکند نباید اظهار
خوشحالی نموده خنده نمایند و اگر سایرین

خرسند و شادمان و صحبت ایشان آرزوی
خرمی است نباید ابراز اوقات تلخی و حزن
کنند —
اگر انسان اندوهناک و غصه دار باشد بهتر
آنست که در مجلس نماند بیرون برود تا
افسرده دل افسرده کند انجمنی را —
حرف اشخاص مسن را همه وقت با احترام گوش
داده جواب ایشان را نیز محترمانه ادا کنند —
خداوند بهر نفری دو گوش و یک زبان عطا

فرموده

فرموده یعنی انسان باید بیشتر شنیده کمتر
بگوید —

آداب خواب و بیداری

صبح چون از خواب برمیخیزند اولین فکرتان
خواندن نماز باشد و بعد از نماز مشغول
بکارهای دیگر شوند —
هرکس صبح یاد خدا کند آن روز را تا شب
در امان خدا است با خوشی خواهد
گذشت —

هیچوقت نماز خواندن و طاعت خدا و مدرسه را
پشت گوش مینداز که اسباب پشیمانی است

هیچ نگو فردا که فردا هم گذشت تا تنبلی نکرد و آرام گشت
باش تا از خواب بیدار کنند در نهاد خود گرفتار کشند

بسیار خوابیدن برای مزاج خوب نیست تنبلی
و بیکاری آدم را محتاج و گدا میکند هر کس طالب
دنیا و آخرت است باید سعی و مواظبت کرده همیشه
کار کند

آرزومند کعبه را شرط است
که تحمل کند نشیب و فراز

اگر ساعت

اگر یکساعت از عمر انسان بگذرد و در آن ساعت
کاری بجهت دنیا یا آخرت نکند خیلی بد است
انسان را از برای کار آفریده اند نه از برای خوردن
و خوابیدن

برو شیر درنده باش ای پسر
مینداز خود را چو روباه شل

در شبانه روز شش ساعت خواب کافی است
اما اگر شخص زیاد خسته شده باشد و بیشتر از آن
بخوابد عیبی ندارد

به که با جواب دیده بشری

خسپی اما وقت برخیزی

هر کسی چه از کوچک و چه از بزرگ باید یاد گرفته

لباسش را خود در بر نماید و در نمودن جامه

محتاج کمک نباشد —

در صورتی لباس را دیگری در تن انسان بپوشاند که

محتاج کمک باشد —

در صورتی لباس را دیگری در تن انسان نماید که

اطفالش را نیز دیگری گرفته دیگری بعمل بدهانش

کند از

کند ازو —

از جمله بی ادبیها این است که شخص در حضور سایرین

لباس پوشیده باشد مگر در صورت ضرورت

والّا تا ممکن است باید در خلوت جامه بتن نموده

جوراب پا کرده در خلوت لباس در آورده شود —

علاوه بر نمازهای پنجگانه که بر همه کس واجب است

خوب است وقت خوابیدن که بر خواب میروند آیة

الکرسی یا دعا یا حمد و سوره خوانده کلمه شهادت

گفته با صلوات بسر شد —

همان قسم که صبح در بیداری اولین کلماتی که به لسان ادا
میکنند باید مثلاً الله محمد صلی الله علیه و آله علی علیه السلام
یا دعا و سلام باشد وقت خفتن نیز آخرین کلمات
باید آیات قرآن و دعا یا اسم خدا و پیغمبر
و امامها باشد

آداب لباس

چندان در بند زینت و آرایش نباشید اشخاص
نادان ولی بیشتر جاهای فاخر در بر کرده و بیجا
لباس های خوب خود را جلوه میدهند

اما در پاکیزگی و تمیز بودن لباس نباید غفلت
کرد اگر لباس کهنه و کم قیمت باشد هیچ عیبی
ندارد اما اگر چرک یا پاره باشد بد است
در لباس خوش سلیقگی و نجابت و سادگی و لطافت
شرط است

تن آدمی شریف است بجان آدمیت
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

شام و ناهار

قبل از شروع در غذا باید یاد خدا کرده بسم الله

الرحمن الرحیم کفش لازم نیست بلند بگویند آهسته
کفایت میکند —

بعد از آن که بزرگترها بر سر سفره نشستند او هم
نشسته و تا ایشان شروع بخوردن نکرده‌اند دست
دراز نکند —

در صورتیکه غذا خوردن روی میز باشد بکسی تکیه
نکرده و آرنج دست را روی میز نگذارد فقط
مچ را میتوان بکنار میز داده حواله‌اش گیرا
نیم باز نموده بروی رانو نگذارند نشستن چه اگر دل

بااوتحین

با او تحین آن سکمه لباس از آداب سرگه است
بیشترها معمول بود حالا منسوخ است اما دریچه‌های
کوچک عیبی ندارد —

غذاها را بچشم آرزو و کنجکاوی نگاه نکرده در گشتن
خوراک بی حوصلگی نباشند —

در سر سفره هیچ حرف نزنند مگر حرفهائیکه مربوط بغذا
و غذاها باشد آن هم در صورت ضرورت بودن
ساکتی و بجود تشنگی —

هیچ وقت از غذاهائیکه در مواقع دیگر خورده‌اند

و از مهمانهائی که دیده و خواهید دید صحبت
میان نیاورده گفتگو نکنید ـــ

اگر کسی از غذا سؤال نماید باید تعریف نموده
اما اغراق گوئی و تعریف بیجا لازم نیست ـــ

از سر سفره چیزی همراه خود برندارید ـــ

لقمه را کوچک برداشته در وقت جاویدن صدا
نکنید ـــ

مادامی که غذا در دهان است لبها از هم باز
نشوند ـــ

مادامی

مادامی که دهان شما خالی نشده و لقمه را فرو داده اند
لقمهٔ دیگر برندارند ـــ

با دست خورش از طرف برنداشته بلکه با قاشق
یا با یک قطعه نان خورش در بشقاب خود بریزند
و آن قطعه نان را بخورند ـــ

وقتی که از سر سفره برمیخیزید باید در بشقابی که
جلوی شما بوده است غذای نیم خورده باقی
نماند ـــ

اگر غذائی بدطعم و نامطبوع باشد هیچ ابراز کرده

حرفی نزنید —

کم خوراکی بهتر از پرخوری است —

نه چندان بخور کز دهانت برآید
نه چندان که از ضعف جانت برآید

تا انسان گرسنه نشود نباید غذا بخورد —

غذا را نباید بقدری خورد که زیاد سنگین و تنبل
شوند بلکه باید وقتی از غذا دست کشید که هنوز
با کمی اشتها باقی است —

آب و چای و امثال آنها در وقت نوشیدن باید

صدا

صدا نکنید —

چون جائی شام یا ناهار خورده‌اید و بعد از خوردن
غذا آروغ نزنید مگر آن که در حین ضرورت
عذرخواسته باشید —

— سرگرمیها —

یعنی سرگرمیها و بازیها جهت صحت مزاج
و رفع خستگی بسیار خوبند امّا مشروط بر آن که خیلی
باندازه در وقت معین باشد —

گردش از جمله سرگرمیهائیست که خیلی اسباب

صحت مزاج میشود

صحبت بعد از غذا بهترین مشغولیاتست
بشرط آنکه صحبتهای خوب نموده از گفته‌های یکدیگر
فایده برند

بازیهائیکه انسان در آنها حرکت نموده
نشاطی کسب کنند خوبند و مخصوصاً برای صحت مزاج
و سلامتی خیلی فایده دارند اما باید از روی قاعده
و ترتیب و برای قواعدی باشد که در ورزش
مذکور است

بازیهای نرد و تاس خیلی بد است و اگر کسی
این قسم بازیها نماید قمار باز محسوب شده
و بسا آخرت او خرابست بیشتر کسانیکه
قمار بازی میکنند اشخاص نامعقولی هستند
که در بیکاری و بیعاری زندگانی نموده اسباب بدنامی
طایفه خود شده آخر الامر در گدائی و بی‌چیزی
مرده و در آخرت جزو ستمکاران خواهد بود
قمار باز مثل شرابخوار و مرد گناهکارند

روزی که زیر خاک تن ما نهان شود
انها که کرده ایم یکایک عیان شود
هر کس نگه کند بد و نیک خویشتن
انجا یکی غمین و یکی شادمان شود
در کرده ایم جرم و گناه خلاف شرع
آن آتش جحیم بما رایگان شود
اشرار را حرارت دوزخ کند قبول
احرار را عنایت حق سایبان شود
پس روی همچو ماه زخجلت شود سیاه

پس

پس قد همچو تیر ز هیبت کمان شود
پس بهر مستمند که در گلشن مراد
بوی بهشت شود و نوجوان شود

— اداب صحبت —

خنده های بلند بی ادبی است —
از همه چیز خندیدن سبکی است و دلالت
بر کم شعوری مینماید —
هرگاه کسی بخواهد حکایتی خوشمزه بگوید نباید پیش از
وقت خود بخندد و بجهت انکه ممکن است اسباب

خنده نشده از وقت خجالت بکشند —
هیچ وقت نباید کسی را مسخره کرده یا با کسی شوخی
نماید —
اگر کسی از نقص دیگران بخندد معلوم شود که دلش
بحالت دیگری نسوخته سنگدل و بی‌مروت است
و اگر او را مسخره نماید علامت بدقلبی و بدذاتی
معلوم که از عیبهای خود صرف نظر کرده
بعیب جوئی دیگران می‌پردازد —
چیزهای مبهمی را هر کس بگوید گریه کرده مسخره

کار

کار و خرزاده است باید همه کس از او دوری
کرده بحرفهای وی گوش نداده با او هم کلام
نشوند —
هیچ وقت در حرف زدن نباید تو گفت مثلا بگویند
تو گفتی تو رفتی تو بودی بلکه همه وقت باید بگویند
شما گفتید شما رفتید شما بودید —
هیچ وقت صحبتهای دیگران که بخود شما نگویند
گوش ندهید و اگر گوش دهید پرچونگی‌کار محسوب
شده پرچونگی عیب بزرگی است —

هیچوقت کارهای دیگری نداشته باشند
و کاغذ دیگران را نخوانند
هیچوقت از خودشان مداحی و تعریف از دیگران
بدگوئی و تکذیب نکنند
وقتی که تعریف چیزی را میکنند مثل کسانیکه هیچ چیزی
ندیده اند زیاد اظهار تعجب و حیرت نکنند

دروغ

دروغ از جملهٔ عیبهای بزرگ و از گناهان عمده است
اگر کسی دروغ بگوید یا مردم دروغش را فهمیده دیگر

حرف

حرف راست او را هم باور نخواهند کرد
هیچوقت بکس دیگر دروغ نسبت تهمت نزنید که
خداوند نمی آمرزد
همیشه راستگوئی و راستکاری را شیوه خود کرده
به راستی معروف بشوید

سؤال و جواب

اشخاصی که در ضمن صحبت زیاد سؤال نموده متصل
از چیزهای بیمعنی میپرسند و همین طور اشخاصی
که در وقت گفتگو لاینقطع از طرف مقابل میپرسند

که آنها فهمیدند آنها ملتفت شدند خیلی بی تربیت
هستند

و اگر این جور سوالات لازم باشد این بیان
کنید لابد سرکار میدانید که البته ملتفت
هستید که عرض ما را التفات فرمودید

اگر طرف مقابل خطائی بگوید و لازم باشد بیان
ابراز کند باید این طور بگوید بنظر بنده شاید
در این مسئله اشتباه فرمودید سرکار گویا در این
مطلب درست تحقیق نفرمودید

اگر در مطلبی

اگر در مطلبی عقیده و رای شما را پرسیدند شما هرچه
صحیح بنظرتان میآید و موافق عقل میدانید
با کمال ادب بگوئید

اگر رای شما را رد کرده قبول نکردند بیا و اصرار نکرده
خاموش بشوید

اگر بعد از فکر دیدید حق بجانب شما است
آن وقت دلیل های خودتان را با ملایمت
بیان بکنید

هرگاه در مطلبی خبط و خطا کردید و شما گفته

فوراً قبول کنند —

هرگاه کسی مسئله خطا را بخواهد بشر اصلاح
کند بشر بدتر شود —

وقتی که دیگر اختیار میکند یا یقین در صحت
آن نهاده نشده باشد گویند —

دروقت بیان از خودشان چیزی اضافه کرده
شاخ و برگ قرار دهند —

هیچ وقت در بین صحبت محض اطمینان دیگران قسم
بخورند که غالباً خلاف شرع و عقل است و اگر

کسی

کسی در بین صحبت زیاد قسم بخورد محمل است که بدانند
دیگران حرف او را سقیم یا دروغ میکنند —

هرکس بوعده خود وفا کند با عزت و معقول است —

و اگر کسی بوعده های خود وفا نکند بی عزت
و بیعار است —

پس احتیاط در این است که بدون تأمل و حساب
و یقین بادای آن نداشته باشد کسی وعده
ندهند —

اگر کسی صادق الوعد نباشد دروغگو و کذاب است

و جز انسان شمرده نمیشود —
خداوند فرموده یا ایها الذین آمنوا لم تقولون
ما لا تفعلون — پس انسان باید گوینده با
فعلی که گفته باید بکند —
دارات فرموده است که خود ناخواسته داد اوست
چه بس از خواستن دادن با داشتن خواهش باشد

دهند آزادی دینی ملی

کسانیکه از روی قواعد شرع رفتار میکنند خداوند
از ایشان راضی شده خودشان نیز از خود ممنون

و هیچ

و هیچ ملامتی بخود ندارند —
اما مردمانیکه بقاعده رفتار کرده تکالیف
دینی خود را درست بجا نمی آورند هر وقت بخاطرشان
میاید از خود ناراضی شده و بخود سرزنش
کرده همین تنبیه از برای ایشان بس است —
هر وقت ایشان کاهلی نکنند لابد پس از آن
مضطرب و اندوهناک شده بعد از آن نیز هر وقت
خاطرش میاید باعث اذیت ایشان خواهد
بود —

اگر از برای کسی ممکن باشد که شخص بدکاره را از راه بد
خارج کرده بجادهٔ دین داری در آورد بسیار خوب
و بهتر از آن کاری نیست —
پس هرگاه یکی از دوستان خود را در جادهٔ بد دیدید
بملایمت و آهستگی او را منع کرده راه راست را
باو نشان بدهید —
اگر در اول دفعه قبول نکرده انکار نمود باز حوصله
داشته باشید دیگر هم او را فرود آورده از
بدبختی و بدی خارج کنید —

امر معروف

امر بمعروف آن است که انسان دیگری را
براه راست بخواند —
و نهی از منکر آنکه نگذارد کج طی نماید —
امر بمعروف و نهی از منکر دو شعبه از فروع
دین است و همه کس باید آنها را رفتار کند اما
مخصوصاً در جائیکه انسان بداند از او می‌پذیرند
نه آنکه بیشتر باعث اصرار در گمراهی گردد —
کلیتاً هر قدر انسان بملایمت و مدارا گمگشتگان
دین را هدایت کرده بطریق رستگاری

اورد بهترست

کیکاوس فرموده است که بهترین چیز با سدرشی
دایمی تو اکری و بهتر را نهادین است

بوذرجمهر فرموده است که بهترین عاقبت کارها
خوشنودی خدا تعالی است

بدگوئی و علتش

بدترین کارهای آنست که شخص از دیگران بدگوید
هرکس بدگوئی کند معلوم میشود که خودش
پست فطرت و دنی طبع و حسود و بدخواه و بد است

کسی را که

کسی را که نام آمد اندر میان
به نیکوترین نام و نعتش بخوان

رفیقی که غایب شد ای نیکنام
دو چیز است ازو بردن افعال حرام

یکی آنکه مالش بباطل خورند
دوم آنکه نامش بزشتی برند

هر آنکو برد نام مردم بعار
تو چشم نکوگوئی از وی مدار

که اندر قفای تو گوید همان

که پیش تو گفت از پس مردمان

کسی پیش من در جهان عاقل است
که مشغول خود در جهان غافل است

از جملهٔ بدولیها و بی‌ربطیها آن است که در حضور
اشخاص از غیبت دیگران گفتگو نمایند
هرگاه کسی خطا و غلطی کرده باشد باید در حضور وی
از آن حرف زده نشود اگر یاد آوری کند
هرگاه کسی را حقیر نموده خوار شمارند بسیار بد و ناشایسته
سنگدلی و بی‌قلبی است

بعض

بعضی شوخیهای بموقع با همسران خود عیبی ندارد
اما حرف بیشرم و مسخره‌آمیز و کلمات حقارت
آمیز خیلی بدند

المزاح فی الکلام کالملح فی الطعام

شوخیهای بموقع بمنزلهٔ نمک طعام است اما اگر زیاد
شود شور شود بسیار بد است
آشکار ساختن عیب و غیبت کردن علامت
بی‌غیرتی و پست سیرتی بدگهری بدبینی است
و خدا و بندها را ناخشنود میکند

گر بد ار سنگ بود روی بهشت

نیست پس مرده دلی ناکشت

تعریف و تمجید

دیگران باید تعریف شما را بکنند نه اینکه خودتان از خودتان مداحی نموده اظهار تفاخر کنید —

هر گاه کسی از خود تعریف کند غالبا مستحق تعریف نیست و پس مردمان خودپسند بی مزه و اشخاص کم شعور احمق خود را ستوده تمجید می نمایند —

همه وقت انسان باید اظهار فروتنی و شکسته نفسی نموده بگذارد دیگران تعریف از او نمایند —

هرگاه تعارفی بکسی دادند چون زیاد از آن تعریف کنند خوب نیست و از قدر آن کاسته میشود —

وقتی که از چیزی تعریف میکنند زیاد و اغراق گوئی و اظهار تعجب و حیرت ننمایند والا معلوم میشود که در عمر خودتان چیزی ندیده اید —

همیشه باید قدر هر چیزی را باندازهٔ خودش فهمید از روی حقیقت و واقع آن اشیا را تعریف

کنیم —

داراب میفرماید هرکه در دوستی ترا ستایش بچیزی
نماید که در تو نیست در هنگام دشمنی بچیز نا
گوید که در تو نباشد —

مباحثه و گفتگو

بحث اشخاص صاحب سن مباحثه و گفتگو نافع
بلکه گاهی جهت توضیح مطالب خیلی لازم است
اما در بچه ها دلالت بر گستاخی و جسارت بوده
غالبا منتهی بنزاع و جدال میشود که بسیار بد است

بعضی

بعضی اشخاص هستند که همه وقت بر ضد عقیده دیگران
حرف میزنند و یکنوع دوالکی و خوبی دارند هر
هرچه بگویند ایشان رد کرده مخالف گویی
میکنند البته دلالت بر حسد و بدذاتی
میکند

شاها فایده دوستی و ملکها کهنه

هرگاه از برای دوستی انسان خوشی و نیکی
روداده اتفاق خوبی از برای او افتاده باشد
باید بسیار گشاده دل گشته بیشتر شاد —

و اگر کسی از برای ایشان کاری کرده باشد باید از او
اظهار امتنان کرده تشکر نمود —
در هر موردی باید زبانی که مناسب تعارف
بوده اغراق گوئی لازم نیست —
با هر کس باید بزبان خودش حرف زده با مردان
عامی اظهار فضیلت کردن خطا و علامت
بیخردی است —
مذمت گوئی کار مردمان بد است
دادن دیگران انشا نمیکند —

همه وقت

همه وقت باید صحبت طوری باشد که گوش آن یکی
نگرفته اسباب تخجل احدی نشود —
این قواعد را که ذکر نمودیم باید همه کس بدون
استثنا دختر و پسر موافق آن رفتار کنند
دخترها نیز باید پسرها آنها را در گوش جا داده
همه وقت با حیا و حجاب باشند حرکات بیمعنی کرده
بیموقع نخندیده با وقار و سنگین باشند ولی
سنگینی و وقار منافی با زرنگی و کار ندارد —
[illegible]

وقتی که جائی موعود شدید سعی در آن داشته باشید
که خیلی زود یا دیر نرفته در همان ساعت وعده داده
شده یا چند دقیقه قبل از آن حاضر شوید —
هیچ آدمی بد تر از اینطور شخص نیست که بوقت
کسی را منتظر بکشند —

الانتظار اشد من الموت

وعده مالی باریستی است یا ده ستانه —
در هر دو قسم انسان باید خیلی معقولیت را فکر کرده
مدت ملاقات را طوری بگذارند که بعد از آن دره
پشیمانی

پشیمانی نداشته باشد —
هیچ وقت سر جائی نگرده خود نشینید مطالبی را که باید
کشف بکنید —
هرگاه بدیدن شخصی که اندوهناک یا مریض است
میروید نباید در آنجا خنده یا صحبتهائیکه دلالت
بر سرور و شادمانی نمایند بکنید بلکه باید با غم
و غصه دیگران شریک شده با ایشان همراهی
نمائید —
بالعکس هرگاه محض تهنیت و مبارکباد و امثال اینها

بدن میسکند باید باو حدوث صحبت کرده

اظهار خرمی و سرور نمایید —

هیچوقت سر زده و بیخبر وارد نشوید و چون داخل

در اطاق شوید باید خبر کرده با علامت در زده

ولی آشوب و غوغا نکشید —

سر زده داخل شوید که حمام نیست

حرمت بر معان بر همه کس واجبست

وقتی که وارد اطاق شده و دیدید صاحبخانه

مشغول با یادیگری حرف میزند قدری دور

ایستاده صبر کنید تا صحبت تمام شده تعارف

نموده شما را بنشانند —

هیچوقت زمان دید و بازدید را طول نداده اسباب

کسالت صاحبخانه نشوید همینقدر که گفت و شنیدتان

تمام شد برخیزید —

در ساعات شام و ناهار و بیموقع بدیدن کسی

نروید —

وقتی که در مجلس نشسته اید زیاد بدر و طاقچه نگاه

کرده موقر باشید —

در مجلس ساعت خود را نگاه نکنید مگر وقتی که
لازم باشد —
هرگاه کسی وارد مجلس شود که کار شما تمام باشد آن
وقت برای بیرون آمدن خوب موقعی است —
اما اگر این شخص از دوستان شماست یا صحبتی به
میل باشد که شما باید قدری بنشینید —
یکی از علامات ختم مجلس آن است که صحبت
تمام شده خاموش گردند —
مدت دیدنهای سر سلامی باید قدری بیشتر از

دیدنهای بیمار کم باشد —
در اقسام دیدنی باید کمی ملاحظه لباس را نمود در
هر جایی جامه مناسب در بر کنید

ادب النظافت
پاکیزگی بدن و لباس

وضو و طهارت علاوه بر آن که جزو تکالیف
مذهبیه اند از اسباب پاکیزگی بدن شده کثافات
و بدبوییها را رفع کند پس باید در تکالیف
مذهبیه را ادا نشده به وقت سهل انگاری کند —

صورت

علاوه بر شستن و شوی صورت که در هنگام وضو جاری
میشود هر وقت انسان حرکت کرده صورت
عرقدار و پر از گرد شده و چرکین باشد باید تجدید وضو نموده
یا خوب شست و شو دهند
همه دستمال نرمی جهت پاک کردن عرق پیشانی
و خشک نمودن صورت باید در جیب حاضر داشته
باشند

موها و زلف

زلف

زلف و ریش و مطلق موها و گیسوان را باید همه روزه
شانه زده پاکیزه نگاه دارند تا گرد غبار در آنها
نمانده کثافت در بن آنها جمع نشده اسباب
ناخوشی و افتادن آنها نگردد
دواهائیکه جهت قوت و رنگ و بو موی استعمال
میکنند در دواخانه ها باقسام مختلفه پیدا میشوند
خوب نیستند از آنها باید احتراز نمود

گوشها

گوشها را باید بدقت پاک نمود اما نه در حضور مردم

هرگاه در گوش احساس خارش شد باید گوش
پاک کن خوبی با اشخاصی بکار برده استعمال
سنجاق اسباب خطراست. —

دهان و دندان

همان طوریکه در احادیث و اخبار وارد است
باید دندان و دهان را پاکیزه نگاه داشته
بعد از غذا و مخصوصاً صبح بصبح وها را شسته
دندان را مسواک کنند —
انگشت به‌ها دندان ریز کرده بعضی

دندان شویه های بدکار برند که اسباب پیمانی
شده اذیت آنها بیش از منفعت است —
دندانهای پاکیزه نیکوترین زینتهای دهان
و بهترین نشانهای سلامتی اند —
استعمال خلالهای فلزی و سنجاق خوب نیست —

دستها

علاوه بر هنگام وضو قبل از غذا و بعد از آن باید
دستها را شسته و سرو صورت بجری رخوند که اسباب
چرکین شدن یا وگرفتن اینها باشد باید دورا

زشت است —

با حق را بگیرند اما با معترض و در خلوت نه با جاه و
در برابر مردم —

لباسها

افراط در زینت دادن لباس و آرایش بدن بسیار
بد است — علاوه بر آنکه باعث زیادی مخارج
و اسراف است علامت بی‌خردی و نشانهٔ کمی عقل
معاش است — اشتباه شخص در تشخیص بنده و لا
ران آن میشکند که انسان ظاهر بین و برون

بیند

پیداست —

مادر و برادر بنگریم و حال ان بی‌نیرون و جامه‌ها قال را

پندنامه

تا توانی با دیگران خوبی کن
دست شکستگان بگیر ای صاحب
فریاد خستگان برس ای مولی

و هیچوقت بدخواه کسان مباش —

کسی کاو با کسی بد ساز گردد
به او روزی همان بد باز گردد

بپوش مطلبی را که دامن کیسه دیگری می شود

فاش مگو —

مگو آن که گر برملا اوفتد

وجودی از آن در بلا اوفتد

مطلبی را که از در گفتن آن فروری بخواهی دید

زود مگو —

انوشیروان فرموده است که اگر خواهی راز

نداندش پس دوست مگو —

همدل خویش نمای زود —

که هر کس که خواهی توانی نمود —

سخن تا نگفتی بود چون گهر   چو گفتی شد از خاک ره تیرتر

سخن تا نگویند پنهان شود

چو گفتند بر جا فراوان بود

سخن چین مباش و سخن چین بخود راه مده —

کسانیکه پیغام دشمن برند

ز دشمن همانا که دشمن ترند

کسی قول دشمن نیارد بدوست   جز آن کس که در دشمنی یار اوست

میان دو کس جنگ چون آتش است

سخن چین بدبخت هیزم کش است

آنکه عیب دگران نزد تو آورده شمرد

بیقین عیب تو نزد دگران خواهد برد

از مردمان متملق و اشخاص دو رو پرهیز کنند —

یار دو رنگ کند آخر هلاک

گرچه شده پیش تو اول بخاک

تیر با هوچه کمین آورد سینه خود را زمین اورد

سبز شده که افتاده همه آب

لنگ کند خوردن آن کار تب

در

در دوستان خود را از اندیشه ایشان را از خود میازارید

که دوست خوب کم یاب است —

هر کسی را نبود اینچنین

سری خود در دست دیگرن

کیقباد فرموده است از دوستی هر کس که تو سودی نرسد

از دشمنی او زیانی نخواهد رسید —

در هر کاری اتحاد را غنیمت شمارید پیغمبر فرموده

یَدُ اللهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ —

انچه نکند یک شاید دو

چون دو شود دست ببندند زود

بهرچه خداوندی روزی کرده است قناعت کرده

از حرص پرهیزند —

یکی گربه در منزل زال بود
که برگشته ایام و بدحال بود

روان شد بمهمانسرای امیر
غلامان سلطان زدندش به تیر

چکان خونش از استخوان می‌چکید
همی گفت و از هول جان میدوید

اگر جستم از دست این تیرزن
من و موش و ویرانهٔ پیرزن

نیرزد عسل جان من زخم نیش
قناعت نکوتر بدوشاب خویش

خداوند ازان بنده خرسند

که راضی

که راضی بقسم خداوند نیست

مدعاهائیکه از پیشوایان دین رسیده است متعهد
باشید اما قول قائل گران طبع ستمان و کفار
حقه بازان و افسوس خوانندگان را باور کرده و فریب
ایشان را نخورند —

یکی روستائی سقط شد خرش
علم کرد بر تاک بستان سرش

جهان دیده پیری بر او بر گذشت
چنین گفت خندان بآن مرد دشت

مپندار جان پدر کان حمار

کند دفع چشم بد کشت زار

بگردید و ناتوان مرد و رش

همه از رحمت خداوند امیدوار باشید و از سرکشانی

دوری کرده از عذاب آخرت بترسید —

که کاری از رودنای فتاد

شنیدم که هم در نفس آن جان داد

بخوابش پدر دید و پرسید حال

بگفت ای پدر قصه از من مخوان

[illegible]

برضای خداوند مقدم دارد —

چنان از خدا خیر [illegible]

که از بهر [illegible] آل و زن

و توکل بخدا در باب روزی و رستگاریست —

و در هر حالتی صبر بهترین سرمایه هاست —

نماند تنگ و ندارد کسی یاد

یک لحظه دگرگون گردد خوشحال

خط فقیر [illegible] چکیم بد علاج بگویم

العبد المذنب ابراهیم ابن عبدالله [illegible] ۷ شهر [illegible] ۱۳[illegible]

آقای ناصری

۱۳۸۵/۱۱/۸